امروز باسعدى شيراز

بــه پیــکار خــون از مشــامی میار

نبرزد کیہ خونیے جکد سر زمین

به سرچشمهای بر به سنگی نبشت برفتنید چون چشیم بر هیم زدند

ولیکسن نبر دیے ہا خود ہے گور مرنجانیش کو را همیین غصه بس

بــه از خــون او کشــته در گردنت







منصور حقيقت پور

در دنیای امروز تعریف خانواده به مراتب فراتر از سدهها و حتی دهههای اخیر است. اگر در گذشته خانواده محدود به یک جمع فامیلی یا حداکثر ساکنان یک روستا یا یک محله در شهرها بود، امروز زندگی اجتماعی بشر به اندازه ای گسترش یافت ه که مفاهیم جدیدی از جمله «خانواده " اجتماعی» وارد فرهنگها شده اُست. متاسفانهُ ما در زندگی شهری و همراهی و تعامل همه اعضای خانوادههای بزرگ شهری بهویژه در حوزه رعایت حقوق همه اعضا، با مشکلاتی روبهرو هستیم. سوی سد است که ما تجربه زندگی در جمع خانوادههای بزرگ را نداشتهایم. ایسن درحالی است که برخی از کشسورها به دلیسل اینکه به

من تیـــم ملی را بــدون باخت بــه جامجهانی ۱۹۷۸ بردم. تیـــم من نه در مســـابقات انتخابی

ـک و نه در جام ملتهای آسـیا شکس

نخورد. در اُن زمان برعکس حالا، تنها ۱۶ تیم

به جام جهانی صعود می کردند اما حالا از آسیا ۵ تیم می توانند به جام جهانی بروند درحالی که آن زمان از ۲ قاره آسیا و اقیانوسیه فقط یک تیم به

یکی، دوماه طُول می کشید. البته شرایط بازیکنان را هیم در نظر می گرفتم و به آنها اجازه می دادم که

بیش خانواده خود بروند یا همسر و فرزندان شان به پیس عنونه خود برود یا تصنصر و فررخان سی کمپ تیهملی بیایند. درِ اردوهای من همیشه باز بود تا بازیکنان و خانوادههای شــان به این موضوع ایراد

نگیرند.از سوی دیگر روابط صمیمانه ای بین بازیکناُن برقرار بود؛ موضوعی که فکر می کنم در حال حاضر در

میان ملی پوشان وجود ندارد.البته من اردوهای خارج از کشــور را به صورت کوتاه مدت برگــزار می کردم

م، مصادیق متفاوتی دارد. خشـ

خیابانی اعم از فیزیکــی و کلامی و حتی فریاددوره گردهای خیابانی و...باشد.

اين كه مصاديق خشم چه چيزهايي

مزاحمتهای

مى تواند شــامل فحاشــى،

.یں تحصیتیں حسم ہے۔ هســـتند، یکســوی ماجراس اما ســوی دیگــر، ضرورت

كنترل و راههاى مُقابِلهُ با آن است. برای از بین

بردن خشم در جامعه، باید آهســته و پیوست عمل كرد. در ابتدا و

خشم باید در قانون درج

ر رياب و غيرقانونيبودن آن محرز

شـود. باید انواع و شـدت و

من بــه ار دوهــای طولانی مدت معتقــ

جامجهانی صعود می کرد.

گذار از زندگی سنتی به زندگی مدرن شهری بهطور قطع نیازمند تجربیاتی است که مااز آن نتوانستیم این تغییرات را به درستی مدیریت کنیم. در چنین شرایطی برخی می گویند که مردم ما مسئوليت پذير نيستند يا اين كه به مسائل و مشكلات پيرامون خود بي تفاوت شدهاند كه هر گز این تعابیر و تعاریف نسبت بـه ملت ایران را قبول نــدارم. علت این اســت که یــک جامعه مسئولیت گریز هر گز به صورت میلیونی در جنگ شرکت نمی کرد و از تمام توان خود برای حفظ و حراست از سرزمین مادری خود استفاده نمی کرد. جامعهای که مسئولیت گریز باشد، نسبت به تمام مسائل بی تفاوت می شـود و این درحالی است که سالانه در کشـور ما صدها مدرسـه، بیمارستان، کتابخانه و مسجد با مشارکت خیرین ساخته می شود. از سوی دیگر ممکن است برخی بگویند که مردم ایران نسبت به مسائل بی تفاوت شدهاند.

که نهایتا ۱۰ روز طول می کشــید و بعداز انجام ۲ یا ۳بازی به کشور برمی گشتیم. ما قبل از انجام بازیها

مماهنگی کاملی بامربیان داخلی داشتیم و مشکلے

راکه کی روش با مربیان داخلی پیدا کرده هیچ گاه پیدانمی کردیم. اگر هم مشکلی بود با یک نشست

حل می شد. فضای گفت و گو به معنای واقعی کلمه

سل هیسند نصنی نصب و بود مدعدی وضعی نصحه میان ما وجود داشت و توسط آن، هشکلات را مرتفع می کردیم، مادر سسال ۱۹۷۷ با تیمهاسی رومانی، پوگسسلاوی، آرژانتیس، الجزایس، رنال مادرید (در تورنمنتاین باشگاه) و پاری سنژر من بازی کردیم، در

ضمن تیمامیدی در اختیار داشتیم کهبسیار قوی بود.

مى شد دلهره و اضطرابي نداشته باشه. اين بازيكنان

در حدبازیگنان اصلی بودند و نگرانی و آسترسے

از بابت مصدومیت بازیکنان نداشت. ما دو برنامه ار بابت مصدومیت بازیدنان نداست. ها حاور بردامه کوتاممدت و بلندمدت داشتیم که در آن تمام مسائل راپیش بینی کردمبودیم، این در حالی بود کهمسابقات جام ماتحای آسیا و المیک را هم در پیش داشتیم و فاصله مسابقات بسیار نزدیک بود.ما چندبار لیگ را به

این تیم را محمود یاوری مدیریت می کرد که تیم موفق شد تیمملی آفریقای جنوبی را ۳ بر صفر و ۳ بر یک شکست دهد من برای هر پستی حداقل یک جایگزین مناسب داشتم. این موضوع باعث

د که در برابر زور گویی و ظلم و ستم هر گز بی تفاوت نبوده و نیستند. جامعهای که در برابر کشتار کودکان از کوبانی تا بوسنی از خود واکنش نشـان میدهـد را نمی تـوان بی تفاوت نسـبت به مسـائل و معضـلات و آسـیبهای اجتماعی دانست،اما همین مردم وقتی میبینند که یک نفر در خیابان زباله ریخته، یا قوانین راهنمایی و رانندگی را رعایت نکرده یا به محیطزیست آسیب رانسه ای را رو به اکتبال به معیشوریست اسیب می رساند هیچ اکتشی از خود نشان نمی دهند. بنابراین با توجه به ه ویژگی های بسیبار مثبت ملت ایران و خصوصیات اخلاقی بارز و دلسسوزی مثال زدنی که نسبت به همنوعان خود دارند، باید ديد كه دليل عدم واكنش اجتماعي أنها به مسائل . عدم آموزش صحیح به شهروندان است. مت در جامعــه مــا هیچــگاه نهادهــای آموزشــی و ر به. متولیان امور فرهنگی، آموزشهای لازم در مور مسئولیتهای اجتماعی و وظایفی که در قبال

همدلي ازميان مارفته است

این تعریف را نیز قبول ندارم، چراکه مردم ما نشان

مدت ۱۰ روز تعطیل کردیم و بازیکنان را به اردوهای

کوتاهمدت بردیم. مربیان باشگاه هااز قبل می دانستند که در چه زمانی مسابقات قرار است به خاطر اردوهای

تیمملی قطع شود و هیچ اعتراضی هم به این موضوع نداشتند چون کاملابا تیم ملی و فدر اسیون هماهنگ

بودند. درحال حاضر بازیکن بین باشگاه و تیم ملی گیر کرده است و نمی داند کدام را انتخاب کند. به طور

مثالُ بازیکنان سُیاهان که در دعُوای این باشگاه و تیمُ

ملی ضرر کردند. این در گیری هُا در نهایت به صرر فوتبال ما و اخلاق در جامعه تمام می شود. چرا که

بازیکنان فوتبال، افراد شیناخته شدهای هستند که

رفتار و گفتار آنها، برای طرفدارانشان و حتی دیگران،

تعیین کننده است. در هر حال، حرف و حدیثهای

زيادى مطرح شدكه مى گفتند بازيكنان تيم ملى

در حالی که اصلا این طور نبود. آری هان که بعدها سرمربی پرسپولیس هم شد گفته بود ما روی تیم

ایران به عنوان یک حریف قدر حساب ویژهای باز

کردهایم چون آنها بازیهای دوسستانه میارا دیده بودندو مىدانستند تيم دست و پابستهاى ني

به خصوص در تورنمنت رئال مادرید که با آرژانتین مساوی کردیم و آریهان به کسانی که معتقد بودند

ـيده بودند و نمىخواســتند وارد زمين شوند

جامعه خود داریم را ارایه نکردهاند. ریشــه اصلی بب های اجتماعی از جمله طلاق، اعتیاد، قانون گریزی، بی تفاوتی نسبت به مسائل اجتماعی و تخلفات کوچک و هنجارشکنیهای اجتماعی در همین عُدم آموزش به شهروندان است. از جامعهای که مردم آن نمی داند در قبال معضلات و آسیبهای اجتماعی چه مسئولیت سنگینی برعهده دارد، چه انتظاری می توان داشت. متاسفانه مسئولان ما فقط از مردم انتظار معجزه دارند، درحاًلی که هیچ آموز شُـ به آنها ندادهاند. البته وظیفه آموزش به جام و فرهنگسازی نیز نباید محدود به یک نهاد یا حداکثر یک قوه باشد. همه دستگاهها و نهادها در این حوزه مسئولیت دارند و اساسا این حوزه ر یک رار فرا دستگاهی است و باید همه، عزم جدی برای آموزش عمومی داشته باشیم. متاسفانه تا به امروز که، زمان را از دست داده و کاری در این حوزه انجــام ندادهایم و به نظر هم نمیرســ عزمى داشته باشيم.

ايران تيم ضعيفي است، گفته بود صبر كنيد وايران

رادر جام جهانی ببینید. بعداز هر مسابقهای هزاران حرف و حدیث پیش می آید. بازیکنان ما روحیه

ر از می از می از می از می در از می در از می دارد ... بالایی داشتندواز هیچ تیمی نمی ترسیدند طبیعی بود که حضور برای اولین بار در چنین بازی هایی،

استرس زاباشداما اين صحبتها رانه من شنيد

گفتن ایسن خاطرات می خواهم بگویسم که فضای ی در ۱۰٫۰ ر ۱۳۰۰ می مر ۱۰٫۰ ر ۱۰۰۰ مهم تر از همدلی و همزبانی و صمیمیت پارامتری مهم تر از سایر پارامترها است. احترام و صمیمیت، در ایجاد

روحيه جمعى تاثير بسزايى داردو مى تواند روحيه

روسیه بستی سیر بسترینی سرخوسی و ساز و سید افرادیک جمع را که در یک تیم، - چه ورزشسی، چه کاری و ... - در کنار هم هستند، یاری کند. این

پ نکته را هـــم باید در نظر گرفت که فضاو در واقع جامعه انسانی آن زمان با امــروز کاملا متفاوت

جمعه است. بازیکنان در آن دوره احترام بسیاری برای است. بازیکنان در آن دوره احترام بسیاری برای به آنهایی احترامی نمی کردند،مسألهای کهمتاسفانه این روزهـا در مقیاس زیـاد وجـود دارد. همدلی و صمیمیـت میانِ بازیکنـان یکـی از فاکتورهای

مُوفقیت تیــــــم در آن زَمان بود که از ســــُلامت ُروانی جامعه نشأت می گرفت.

ــم ديدم ومطمئنم صحّت هم ندارد. با

خاطرهبازي

ىكخد اىكنگاه

كلايه خانواده هاازكتاب هاى جديدالتاليف

نيرزدكه خوني چكدبرزمين

چــو شــاید گرفتــن بنرمــی دیــار

به مسردی که ملسک سراسسر زمین

شنیدم که جمشید فرخ سرشت

یر این چشمه چون ما بسی دم زدند گرفتیسم عالسم بسه مسردی و زور

چو پر دشمنی باشیدت دسترس

عدو زنده سرگشته پیرامنت

چند سالی است که ساختار آموزش و پرورش تغییر کرده است؛ کتاب ها و پایه های در سی تحت طرح تحول نظام آموزشی متحول شده اند و بدون شک ساز گاری با محتوای جدید زمان می برد و کسب مهارت های خاصی را می طلبد. در همین راستامهر ماه ۹۴ قرار است کتب پایدهای پنجم و نهم جديدالتاليف شوندهمين خبر كافي است ۱۲۰۰۰ تا دغدغه خانــواده هایی که فرزندشــان در این دو پایه درس می خواند شــروع شــود که چگونه باید با محتوای جدید و ناشــناخته کنار بیایند و میادا کودکشان در یادگیری مفاهیم دچار مشکل شود. رئیس سازمان پژوهش و برنامهریزی آموزشی در همین رابطه به آن دسته از معلمان و خانوادههایی که نسست به سـختی این کتابها گلایه دارند، توصيههايسي ارايه كسرده است.حجت الاسسلام و توسینه پیشی را پید سرده است. طبحت ان سترم و المسلمین محی الدین بهرام محمدیان عنوان کرده است: امسال در راستای برنامه درس ملی و پیرو تغییرات سال های قبل، کتب پایه های پنجم

تُولید کتب درسی، راهنمای معلمان و بستههای نرم افزاری برای مقاطع مختلف در حال آمادهسازی ستوبرای معلمان این دو پایه کلاس های آموزشی ضمن خدمت به منظور آشــنايي بانحوه تدريس صمی حدمت به منظور انستایی با نحوه تدریس کتب جدیدالتالیف در تابستان تر تیب داده می شود. محمدیان بااشاره به اینکه ممکن است در سال های اول تدریس برخی معلمان و خانواده ها از سے کتب جدیدالتالیف گلایه کنند، توضیح دادہ اس این اتفاق طبیعی است چون بااین کتب برای اولین بار آشنا می شــوند و برای رفع سختی و ابهامات به همکاران دبیر توصیه می کنم حتماً در دورههای آموزشی ضمن خدمت شرکت کنندو خانوادههابا معلمان پایه پنجم و نهم جلسات مشتر کی داشته باشند. به ویژه پدر و مادرها که با کتب قدیمی درس خواندهاند، چون کتابهاو روشهای تدریس تغییر کردہ باند حتمیا کتبر امطالعہ کننیدو یا معلم فرزندشان درار تباط باشند



مى بنديد،من آزادى امرا». بدین تر تیب این شر طبندی

مضحــک و مخاطره آمیز انجام شــد. بانکدار کــه در آن زمان

. میلیـــون ها کــرور پــول برای ولخرجی و هوسرانی داشت، از

شُــاُدمانی خود را باخته بود. در طول شام به شــوخی به وکیل

«مرد جوان، قبل از اینکه دیر

ئىود ســر عقل بيا. دو ميليون

برای من پُولی نیست اُما تو سه یا چهار ســال از بهترین دوران

زندگی ات را از دست خواهی سه یا چهار زیرا هر گز بیشتر طاقت

حبس داوطلبانه بسيار سخت ترازحبس تحميلي است

آنتوان چخوف

طریقی هم که باشد بهتر از ر کی ۱۰۰۰ اصلازندگینکردناست». ایسن گفتوگـو تبدیل ہے۔ ہے بحشی داغ شدہ بود بانکدار کہ آن زمان جوان تر و پرشــورتر بــود، ناگهان کنترلــش راازدســت داد، مشــت خود را بر روی میز کوبید، بــه طــرف وکیل برگشــت و فریاد زد: «این . دروغ اســتُ. مَن با ُشما دو میلیون شرط میبندم که

حتى ينج سال هم دريک سلول دوام نمی آورید.» و کیل جواب داد: «اگر واقعا جدی گفتید. مى بندم كه نه پنج سال بلكه پانزده سال دوام موسم, ورت. بانکدار فریاد کشید: «قبول است! آقایان من دو

یلیون شرط می بندم.» وکیل گفت: «قبول است. شما دو میلیون شرط

که خود را آزاد کنی تمام زندگی را برایت در سلول زهرمی کند دلمبرایت می سوزد».

نخواهی آورد در ضمن مرد بیچاره فراموش نکن که حبس داوطلبانه بسیار سخت تر از حبس تحمیلی است.فکر اینکه هر لحظه این حق راداری



«قانون»، کنترلکننده خشم در کوتاهمدت

افسر افشار نادری

حدت آن نیز در قانون مشخص شود.این وظیفه قانون گذار است که این مقوله را وارد قانــون کند و بــه این ترتیب، افراد متوجه میشــوند که برای این ، فتار ، محيا: ات خواهند شيد و لذا ۔۔ متوجه میشوند برای آن که مجازات شوند، باید از این رفتارها دست ئوتاەمدت، راە چارەاى باشد.

. در گذشته درسی با نام «تعلیمات اجتماعی» داشتیم. در این درس، به بچهها می گفتند که در جامعه چگونه باید رفتار کرد که هنجارمند ر بسه په ورسط بیم رسار مین محسوب شــویم. امروز اساسا چنین چیزی وجود ندارد. اینهــا، یعنــی سیاســتگذاری فرهنگی، می تواند چاره کار باشــد. بنابراین، قوانین هستند که در کوتاهٔ مدت، می توانند رفتارهٔ ای افراد را ردارند. این موضوع می تواند در جهت بخشــند و در درازمدت، سیاس فرهنگی موثر اسّتُ. زمانی کـه می گویند تولید خشــم در جامعه از بالا به پایین بوده، به این معنا راه حـل ُ درازمُــت، این سـت که به جای این همه یست که مثلا سیاستمداران این خشم را تولید بطالب بعضا بيهوده كه در کتابهای درسیی گنجانده شده، مطالب گردهاند؛ بلکه به این معناست که قانون گذار که در مقام تعریف جرم در قانون است، در این مورد کوتاهی کرده و با این رفتار، موجب اشاع خشم شده است. فردی رفتار خشونت آمیز از خود نشان ر رر بسرای رفتــار بهنجار و آداب صحیح اجتماعی داده است، دیگری هم که شاهد این رفتار بوده،

در مواقعیی همین رفتار را تکرار کرده؛ چراکه ئساهد ممنوعيت قانوني اين رفتار نبوده و افرادي را هم ندیده که بهخاطر بعضی مصادیق خُشونت، مجازات شده باشند. البته نحوه حرفزدن بعضی ا: سیاسیتمدا، ان و اف اد شناخته شده در حامعه و چنین برنامهٔ های صدا و سیما، موجب تولید و افزایش خشونت می شوند. متاسفانه ما از ادبیات رین کر در برای کی در تلویزیــون اســتفاده بســیار خشــونت آمیزی در تلویزیــون اســتفاده می کنیم ادبیات خشــنی مثل رفتارهای شوهر با همسر، پدر و مادر نسبت به فرزندانشان، پلیس نسبت به افراد و... که همه اینها به مثابه اشاعه خشونت در جامعه است که به در ســتی مفهوم «تولید خشونت از بالا به پایین» را نشان میدهد. من و شـما نیســتیم که برنامههــای تلویزیون را ص میسازیم و تأیید می کنیم بنابراین من و شـما هم نباید در وهلهنخست نسبت به آنچه در جامعه ترویج می شود، پاسخگو باشیم.



